

جشن سده

نکته‌ها در این فال و جشن سده

همان فروردوز و آتشکده فردوسی

نیایکان بزرگوار ما که این خاک پرشکوه ایران را چون ودیعه الهی برای ما گذاشته و گذشته‌اند، در تمام رسوم خویش آثار ذوق و دقت را آشکار کرده بودند. زندگی ایشان نموداری از عظمت و حیات و نشاط بوده است. سستی و زبونی در آنان راه نداشت و شادکامی و خرمی که خود نشانه بارز نیرو و سلامت است از سراسر آثار ایشان آشکار بود، ایام سوگواری و اندوه بندرت در میان ایشان دیده میشد اما روزهای سرور و شادکامی و جشنهای آنان بسیار بود. این جشنها را بر روی هم میتوان بدو دسته کرد: جشنهایی که فقط جنبه ملی و عمومی داشت و جشنهایی که تنها بر اثر عمل و جهات دینی پدید آمده و بیشتر در مراکز دینی معمول و با تشریفات و رسوم مذهبی همراه بوده است.

گاهنبارها (۱) و جشنهایی از قبیل فروردگان (۲) و ایام متبر که مذهبی از دسته اخیر و جشنهایی مانند مهرگان و نوروز سده و بهمنجنه (۳) و آبریزگان (۴) و نظایر آنها از دسته نخستین بوده است و پیداست که اینگونه جشنها علاوه بر آنکه حائز جنبه عمومی بوده از باب دیدنی نیز ارزش و اهمیتی بسیار داشته است.

از میان جشنهای عمومی از همه با شکوه تر نوروز و مهرگان و از همه دل انگیز تر جشن سده بود.

جشن سده یکی از جشنهای آتش است که از روز کاران قدیم میان ملت ایران وجود داشت. عنصر آتش از عناصر ریست که کشف و پیدایش آن برای پیشرفت بشر در مراحل تمدن حائز کمال اهمیت بود و بهمین سبب خاطره آن چون خاطره

۱ - گاهنبارها یا گاهنبارها شش هنگام باشد گاه است که خدای تعالی بنا بر آیین ذرشتی در آنها عالم را آفرید و در هر یک از گاههای ششگانه جشنی برپا میشود.

۲ - جشن فروردگان، جشن دینی پنج روز آخر سال یعنی خمه مستتره است که بعقیده ذرشتیان فروشی (فروهر) ها در آن پنج روز بساکن خود باز میگردند

۳ - جشنی بود در دوم بهمن یعنی روز بهمن از ماه بهمن

۴ - جشنی بود در روز سیزدهم از تیرماه

مقدس ترین و عزیزترین چیزی از حیات در ذهن اولاد آدم باقی ماند و ازین روست که آتش دیرگاهی در بسیاری از مذاهب در شمار مقدسات بود و چون خدایان پرستیده میشد. گویا اقوام آریا خاصه هند و ایرانیان بیش از دیگران بدین عنصر تابناک توجه و علاقه داشتند و از آن میان ایرانیان چنانکه میدانیم آنها از جمله عناصر برتر میشمرند و قابل ستایش و احترام میدانستند و چون بهترین و زیبا ترین مظهری از مظاهر اهورمزدا میستودند. معهذاً همچنانکه گفته شد این عنصر میان دیگر اقوام و طوایف هم ارزش و حرمتی داشت و بافتخار آن جشنهایی برپا میشد. «مارتین نلسون» در کتاب جشنهای یونان، از جشنهای آتشی نام میبرد که در میان قبایل مختلف یونان برپای میشد و مردم در این جشنها آتش بر میافروختند و قربانیهای فراوان را زنده در آتش مقدس می افکندند. بنابراین آنچه از مطالعه در تحقیقات برخی از نویسندگان غربی و مداخله در جشنهای آتش ملل آریائی و غیر آریائی بر میآید جشن آتش در میان قسمت اعظم قبایل قدیم و جدید بشری از قبیل مردم ارمنستان، بلژیک، فرانسه، آلمان، سوئیس، ایتالیا، سوئد، هلند، اتریش، اسپانیا، اسکاتلند، انگلستان، ایرلند، آلبانی، دانمارک، نروژ، روسیه، لتونی، لیتوانی، استونی، مقدونیه، کرس، ساردنی، الجزیره، مراکش، صربستان، چکواسلواکی، مکزیک و میان قبیله «انکا» در کشور پرو و برخی از قبایل افریقائی نیز وجود دارد و در این جشنها معمولاً آتش یا مشعل بر فراز کوهها و تپه ها بر میافروزند و تصاویر دیوان و شیاطین و امثال آنها را در آتش می افکندند و نیزه ها و زوبینهای آتش میزنند و در هوا پرتاب میکنند و چرخهایی آتشین ترتیب میدهند و از فراز تپه ها پتائین رها میسازند و بر گرد آتش رقص مینمایند و از روی آن می جهند و حیوانات را در آتش رها میکنند و گاه حیواناتی را بدرستی آتش میزنند. (۱)

اینها نمونه هایی از بزرگداشت آتش در میان اقوام مختلف است که لاشک باید بازمانده خاطراتی از ایام کهن باشد. اما در ایران بر اثر حرمت دینی آتش

۱- رجوع شود به توضیحات مفصل آرتور کریستن سن Arthur Christensen

راجع به بخشهای مختلف آتش در میان ملل از صفحه ۱۶ به بعد کتاب:

Les Types du premier homme et du premier roi dans l'histoire légendaire des Iraniens. Stockholm et Leide, 1917. 1934. V. I.

جشنهای آتش اهمیت بیشتری یافته و صورت دینی گرفته و در میان عموم افراد ملت نیز بنحو خاصی متداول شده بود.

در ایران قدیم چند جشن آتش وجود داشت که آنها را آذر جشن می‌گفتند. یکی از این جشنهای آتش در روز چهارم شهریور یعنی روز شهریور از ماه شهریور، موسوم به شهریورگان بود که آنرا خصوصاً آذر جشن مینامیدند. این جشن بنا بر نقل ابوریحان بیرونی در کتاب الاثار الباقیه (۱) در خانه های عامه مردم برپا میشد و در آنروز مردم آتشیهای بزرگ در خانه های برمی افروختند و با آفرین و ستایش خداوند میپرداختند و برای صرف غذا و شادمانی گردیکدیگر جمع میشدند و همچنین بنا بر قول ابوریحان آذر جشن اصلاً از قوم تخار یکی از اقوام آریائی شمال شرقی ایران نشأت کرده بود.

جشن دیگر آتش در روز نهم آذرماه یعنی آذر روز از آذرماه گرفته میشد و آنرا آذرگان (۲) می‌گفتند. در این روز مردم بزیارت آتشکده های میرفتند و در خانه های آتش برمی افروختند و جشن می‌گرفتند و آنرا نیز آذر جشن می‌گفتند. (۳)

دیگر از جشن های آتش جشن شب سوری است که از روز گاران قدیم مرسوم بود و بنا بر آنچه از بعضی تواریخ برمیآید در یکی از شبهای آخر سال برپا میشد (۴) و در آن آتش عظیم برمی افروختند و بهیچ روی مستبعد نیست که این جشن شب سوری و همان جشن شب چهارشنبه سوری باشد که با مراسم باشکوه

۱ - چاپ لایبزیک، سن ۲۲۱، ج ۲/۲، ص ۲۲۱

۲ - در ایران قدیم سال را بدوازده ماه سی روزه تقسیم میکردند و پنج روز را که در اصطلاح علمای نجوم به خمسة مسترقه یا پنجه هز دیده موسوم است بر آخر سال میافزودند. هر یک از دوازده ماه نامی داشت چنانکه اکنون هم معمول است و هر یک از ایام ماه را نیز نامی بود (هفته وجود نداشت) که از میان آنها دوازده نام بر اساسی دوازده گانه ماهها منطبق میگشت و باین ترتیب در هر ماه اسم یک روز با اسم همان ماه برابر میافتاد. این روزها را در هر ماه جشن می‌گرفتند و بر آخر اسم آنها علامت گانه میافزودند مثلاً روز مهر (شانزدهم) از ماه مهر را مهرگان می‌گفتند و روز تیر (۱۳) از ماه تیر را تیرگان... و قس علی ذلک. شهریورگان و آذرگان مذکور در متن هم دو جشن هستند که از این طریق بوجود آمده و سپس در زمره جشنهای آتش ممدود شده اند.

۳ - الاثار الباقیه ص ۲۲۵

۴ - راجع باین اسم و قدمت آن رجوع کنید به تاریخ بخارا چاپ تهران ص ۳۲

و دل انگیز کهن خویش هنوز هم متداول و یسکی از جشنهای زیبای آتش است (۱) .
 مهمترین جشن آتش یا آذر جشن، جشن سده بود که در شب آبان یعنی شب دهم
 از ماه بهمن برپا میشد . سده که در زبان تازی «سَدَق» یا «سَدَق» شده است مأخوذ از
 کلمه سَد (۲) است و اگرچه در متون موجود پهلوی ذکر آذر آن نشده ولی باید
 قاعده سَد گ یا سَت گ بوده باشد زیرا اولاً از هیأت کلمه «معرب آن این حقیقت
 آشکار است و ثانیاً کلماتی که در زبان فارسی دری به «ه» حرکت «یا» هاء تخصیص
 که اکنون به «ه» غیر ملفوظ شهرت یافته است، ختم شده باشد معمولاً بازمانده
 کلماتی از زبان پهلویست که در آخر آنها (ک) یا (گ) وجود داشت و بعدها که
 این کاف یا گاف بر اثر ساده شدن کلمه حذف شد، برای بیان حرکت ما قبل
 هائی در آخر کلمه نهاده شد چنانکه در نامه و بنده و شده که اصل پهلوی آنها نام گ
 و بند گ و سَت گ است میبینیم و چون معمولاً در اینگونه کلمات معنی نسبت وجود
 دارد بنابراین قاعده باید سده یا سَد گ یا سَت گ پهلوی منسوب به عدد سَد (صد) باشد .
 در این که چرا جشن سده یا این اسم نامیده شده محققان قدیم اقوالی
 ذکر کرده اند که اغلب منحرف از طریق صوابست . مثلاً بعضی گفته اند که چون
 شماره فرزندان گیومرث یا بقول بعضی مشیه و مشیانه (۳) بصدر سید جشنی شبانه
 ترتیب یافت و آتشی برافروخته شد و از نیروی آنرا سده گفتند . برخی دیگر
 گفته اند که چون از این شب تا نوروز پنجاه روز باضافه پنجاه شب است از آنرو
 آنرا سده گویند اما صحیح ترین غلطی که اکنون میتوان در این باب بیان
 کرد آنست که چون این شب در سده در صدمین شب از زمستان بزرگ قرار
 میگرفت بدین نام خوانده شده است چه در ایران قدیم بنابر آنچه محققانی
 از قبیل دارمستتر (۴) و دهارله (۵) متعرض شده اند (۶) و در بعض کتب پهلوی نیز

۱- برای کسب اطلاع کافی راجع به مراسم چهارشنبه سوری رجوع شود به مقاله آقای

سعید نفیسی تحت همین عنوان در شماره ۱۱ سال اول و اول سال دوم از مجله مهر

۲- این کلمه در پهلوی دست، یا «سَد» تلفظ میشده و معنی آن صد یعنی عدد مانده
 عربی است .

۳- به تئود زرتشتیان اولین جلت بشر که از نطفه گیومرث (نخستین مرد) بوجود آمده اند
 و نظیر آدم و حوای سامیانند مشیه و مشیانه (مشیک و مشیاک) نام داشته اند .

۴- J. Darmesteter - E. de Harlez (۶) رجوع شود به مقالات

نوروز و مهرگان از نویسنده این مقاله در سال اول و دوم مجله مهر .

آمده است، سال بدو قسمت یاد و فصل بزرگ منقسم میشد اول هم (۱) یا تابستان بزرگ که از ۷ ماه پدید می‌آمد و دوم زین (۲) یا زمستان بزرگ که از پنج ماه باضافه پنج روز یعنی یکصد و پنجاه و پنج روز تشکیل میشده و از آبانماه آغاز میگردیده است بنا بر این بادر نظر گرفتن ماههای سی روزه تقویم اوستائی از آغاز آبان تا دهمین شب ماه بهمن صد شبانه روز تمام میشود و از این روی جشن این شب را سده نامیده اند.

در علت ظهور این جشن و پدید آورنده آن اقوال قداممختلف است. محقق است که علت اساسی ظهور جشن سده نخست حرمت آتش و دیگر بشارت باتمام زمستان حقیقی نجدهای ایرانست اما بهر حال قدمای ایرانیان بنا بر سنت عادی خویش در باب این جشن نیز از افراد داستانی نیمه تاریخی خود استفاده کرده اند. مثلا برخی پدید آورنده آنرا کیومرث و علت آنرا رسیدن عمده فرزندان وی بصد دانسته اند و گروهی هوشنگ و برخی فریدون و بعضی زو (زاب) پسر ظهاسب را مدعی آن گفته اند و حتی عمادالدین زکریای قزوینی در عجائب المخلوقات و ابوریحان بیرونی در الانار الباقیه آنرا منسوب بعهد اردشیر بابکان شمرده اند. عبدالحی بن ضحاک گردیزی در کتاب زین الاخبار گوید: «سده بزرگ چنین گویند مغان که اندرین روز سد مرد تمام شده بود از نسل میشی و میشیان و ایشان دو مردم نخستین بودند چنانکه مسلمانان گویند آدم و حوا، مغان را آن درین بودند و باز بعضی گفتند میان این روز و میان نوروز صد شبانه روز بود یعنی پنجاه روز و پنجاه شب، بر این سبب سده نام کردندش. اما سبب آتش افروختن اند روی آنست که اندر آن شب ارمائیل که وزیر بیوراسب (یعنی ضحاک) بود مردی نیکونیت بود و چور ضحاک هر روز دو مرد از بهر ماران خویش کشتن فرمود این ارمائیل از آن دو مرد یکی را بکشتی و یکی را رها کردی و او را گفتی تا از جهانیان پنهان شدی بجائی که کس خبر ایشان نیافتی و چون افریدون بر ضحاک ظفر یافت این مردمان آزاد کرده ارمائیل سد مردم شده بودند و همه اندر کوه دماوند پنهان بودند ارمائیل پیش افریدون آمد و بدو تقریب کرد (۳) و این باوی

بگفت. افریدون او را استوار نداشت (۱)، پس ثقه (۲) خویش را افریدون بدان کوه فرستاد تا بسانگرد و حقیقت کند و او را خبر دهد و ارمائیل بفرمود تا آن مردمان متنکر (۳) هر کسی آتشی جدا گانه بیفروختند پس صد آتش بیفروختند چنانکه همه را افریدون بدید و بدانچه ارمائیل شفقت کرده بود در حق آنان افریدون بستود و ولایت دماوند به ارمائیل داد، تا بدین غایت هنوز فرزندان او دارند. ابن فقیه همدانی در مختصر کتاب البلدان (۴) نیز روایتی نزدیک بآنچه در زین الاخبار می بینیم آورده و گفته است که چون افریدون از داستان آزاد شدن محکومین بدست ارمائیل آگهی یافت سخت خشنود شد و او را بمرتبۀ مصمغان (۵) ارتقاء داد و گفت: «وسمانا کته آزاد کردی، یعنی بساخانمان که تو آزاد کرده ای!»

ابوریحان در الأثار الباقیه میگوید: «در روز دهم بهمن یعنی روز ابان جشنی موسوم به سده است که ترجمۀ آن سائنه (صد) میباشد و آن از مآثر اردشیر بن بابکان است و در باب علت و سبب آن اختلاف شده است، بعضی گفته اند مراد از صد در اینجا عدد ایام مابین آبانماه و روز جشن سده است در صورتیکه خمسۀ زائده را از آنها کم کنیم و بعضی گفته اند که صد عدد میان جشن سده و آخر سال است در صورتیکه روزها را در هر شبانه روز جدا گانه حساب کنیم و بعضی گفته اند که صد عدد فرزندان پدر اول در این روز است و مرادشان از پدر اول گیومرث است و نیز گویند که این عید هوشنگ پیشداد و رسیدن او بسلطنت است... نویری در نهایت الارب (۶) چنین آورده است که: «جشن سده در شب یازدهم بهمن ماه برپای میشود و ایرانیان این روز را ابان روز گویند زیرا هر یک از روزهای ماه را بنامی میخوانند و در سبب این جشن چنین گفته شده است که چون افراسیاب بر بلاد بابل

(۱) بوی اعتماد نکرده

۲ - شخص مورد اعتماد

۳ - ناشناس

۴ - چاپ لیدن ۲۷۵ - ۲۷۶

۵ - مصمغان معرب مس مغان بهلوی یعنی مهر و رئیس مغان و مرکب است از مس بهلوی بهمنی بزرگ و مغان.

۶ - چاپ مصر از صفحه ۱۸۵ بیعد.

حکومت یافت و فساد و ویرانی بسیار کرد زوین طهماسب بر او تاخت و او را ببلاد ترك راند. این واقعه در ابان روز اتفاق افتاد و ایرانیان این روز را عید گرفتند و آنرا ثالث نوروز و مهرگان قرار دادند و نیز در باب پیدا شدن این جشن گویند که چون پدر اول یعنی گیومرث صد فرزند یافت پسران را با دختران تزویج کرد و برای آنان جشن زناشویی ترتیب داد که بیشتر بابر فروختن آتش همراه بود. این جشن با سبب مذکور برابر بود و بهمین سبب ایرانیان بعد از آن افروختن آتش را در این شب سنت کردند ...

بروایت استاد ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه جشن سده منسوب بعهد

هوشنگ پیشداد و داستان آن چنین است :

یکی روز شاه جهان سوی کوه	گذر کرد با چند کس همگروه
پدید آمد از دور چیزی دراز	سیه رنگ و تیره تن و تیز تراز
دو چشم از بر سر چو دو چشمه خون	ز دود دهانش جهان قیر کون
نگه کرد هوشنگ با هوش و سنگ	گرفتش یکی سنگ و شد پیش جنگ
بزور کیانی بیازید دست	جهانسوز مبار از جهانجوی جست
بر آمد بسنگ گران سنگ خرد	هم آن و هم این سنگ گردید خرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ	دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
نشد مار کشته و لبیک نزد او از آن	پدید آمد آتش از آن سنگ باز
هر آنکس که بر سنگ آتش زدی	ازو روشنائی پدید آمدی
جهاندار پیش جهان آفرین	نیایش همی کرد و خواند آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد	همین آتش آنگاه قبله نهاد
بگفتا فروغیست این ایزدی	پرستید باید اگر بخردی
شب آمد بر افروخت آتش چو کوه	همان شاه در کرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد	سده نام آن جشن فرخنده کرد
زهوشنگ ماند این سده یادگار	بسی باد چون او دگر شهریار

این بود بعضی از مهمترین و قدیمترین اقوال مورخان پیشین ایرانی راجع

بعجشن سده و پدید آوردنده و علت پیدائی آن و تنها نتیجه ای که از مجموع

اقوال و داستانهای مذکور بدست میآید آنست که داستانهایی راجع بجهش سده یادگار خاطراتی کهن از آریائیان ایرانست و این جشن یکی از جشنهای قدیم و شاید متعلق بدوره پیش از شهرنشینی قوم متمدن و کهنسال ایرانیست .

شب جشن سده را بنا بر تصریح ابوریحان بیرونی مردم کرج «گزنه» هم مینامیدند^(۱) و پنج روز پیش از شب جشن سده ایرانیان جشن دیگری داشتند بنام نوسده یا بر سده که بعضی از نویسندگان از آن یاد کرده اند^(۲)

اگرچه قرائن قدمت جشن سده بسیار است ولی از این جشن و کیفیت آن در ایام پیش از اسلام اطلاعی در دست نیست مگر آنچه در کتب معتبره دوره اسلامی در این باب دریافته میشود . اما در دوره اسلامی از این جشن و مراسم آن که با احتمال قریب بیقین باید بازمانده مراسم ایام قدیم باشد اطلاعات نسبتاً کاملی موجود است منتهی چون این مراسم باقیمانده حس احترام بآتش بود در نزد بعضی از متعصبین قوم نکوهیده شمرده شده است مثلاً ابو حامد محمد غزالی طوسی (متوفی بسال ۵۰۵) فروختن اشیائی را که در جشن سده بکار میآید مکرره دانسته^(۳) و بدیع الزمان همدانی ادیب و نویسنده معروف (متوفی بسال ۳۹۸) سده و فروختن آتش را شعار شرك شمرده است^(۴) و عنصری شاعر بزرگ جشن سده را از آن سبب که شعار و رسم مسلمانان نبود با احترام ننگریسته و گفته است :

خدایگانسا کفتم که تهنیت کویم از این جشن دهقان آئین موسم بهمن
 که اندرو بفروزند مردمان مجلس بگوهری که بود سنگ و آهش معدن
 چو حماة توقوی و چو عدل توبی عیب چو همت قوبلند و چورای تو روشن
 چنین که بینیم آئین توقویتر بود بدولت اندرز آئین خسرو و بهمن
 تو مرددینی و این رسم رسم گبرانست روانداری بر کیش گبر کسان رفتن
 جهانیان برسوم تو تهنیت گویند ترا برسم کیان تهنیت نگویم من
 نه آتش است سده بلکه آتش آتش تست که یک زبانہ بتازی زند یکی بختن

۱ - الآثار الباقیه ص ۲۲۷ ۲ - التفهیم ابوریحان بیرونی چاپ تهران ص ۲۵۷ و زین الاخبار

کردبزی نسخه عکسی . ۳ - کیهنای سعادت چاپ همد ص ۱۸۸ - ۱۸۹

۴ - رجوع شود بکتاب امثال وحکم آقای دهخدا

باینحال چنانکه از تحقیق در تواریخ برمیآید تا ایام مقارن حمله مغول جشن سده در بیشتر دربارهای پادشاهان ایران مانند دربارهای سامانی و دیلمی و غزنوی و سلجوقی و دربارهای سلاطین کوچک و بزرگ دیگر برپا میشد و حتی بغداد پایتخت خلفای عباسی شاهد بسی از آتشفهای جشن سده که مردانی از قبیل عضدالدوله (۱) و ملکشاه سلجوقی (۲) در آن افر و ختنند، بوده است. در تمام این دربارها جشن سده باشکوه و جلالی تمام برگزار میشد و چنانکه از اشعار شعرا که در تهنیت جشن سده بعربی و فارسی بزرگان و وزراء و امراء سروده شده است برمیآید، وزراء و امراء هم جشن سده را با همان شکوه و جلال دربار سلاطین برپا میکردند و عاوه مردم نیز باختلاف طبقات این جشن را در خانه های خود منعقد میساختند و بقول یکی از شعرا:

و كل بمقدار امسكائهم یقیمون رسماً لهذا السدق (۳)

در این جشن مردم باختلاف طبقات در خانه ها یا باغهای خود و یا در صحرا هیزم فراوان برزوی هم میریزختند و آتش بر آن میزدند و گاه این آتش تا بدرجهای زیاد بود که شعله آنرا از چند فرسنگی میدیدند. بر گرد این آتش بافاصله معین مکانهای خاص شاهان و ندیمان وی یا بزرگان تهیه میشد و پس از برافروختن آتش ددان را در آن میفرستادند و پرندهگان را بر شعله آن بیرواز درمیآوردند و معمولا کبوتران یا زاغان و مرغان دیگر را بنفت می اندودند و درندهگان و ددگان را هم بنفت یا مرف می آغشتهند و گیاه برپای آنها می بستند و در آتش رها میکردند و آنگاه بر گرد آن آتش عظیم شراب مینوشیدند و لهو میکردند و اگر جشن را پادشاهان و وزراء و رجال درباری بر پای داشته بودند شاعران قصائدی در تهنیت سده برایشان میخواندند.

از جشنهای سده که با مر برخی از سلاطین برپا شده بود در بعض تواریخ سخن رفته است و از آن میان اکنون شرح جشن سده سال ۳۲۳ و شرح جشن دیگری در سده سال ۴۳۰ هجری نقل میشود:

در سال ۳۲۳ مرداو یج پسر زیار دیلمی یکی از شجاعترین و بزرگترین فرزندان ایران فرمان داد که در اصفهان جشن باشکوهی بمناسبت شب سده ترتیب

۱ - نهاية الارب فی فنون الادب ص ۱۹۰ چاپ مصر.

۲ - کامل التواریخ ابن اثیر حوادث سال ۴۸۴

۳ - یعنی هر کس بقدر امکان بخویش رسم این سده را برپای میدارد.

دهند و دروادی زرین رود و نقاط مختلف اطراف آن توده هائی بزرگ از هیزم گرد کنند و دور از جایگاه وی از تنه درختان عظیم و آهن قبه ها و کوشکهای پدید آورند و در میان آنها خار و نی بریزند و شمعهای بزرگ بر پای دارند و پرندگان بسیار گرد آورند و بالهایشان را بنفت آغشته کنند و اینها همه را بیک هنگام آتش زنند و خوانی بزرگ در دشت بکستند و هزاران گاو و گوسفند و مرغ با حلوای بسیار بر آن نهند. در عهد اسلامی جشنی بدین عظمت هرگز شنیده نشده است (۱)

دیگر از جشنهای باشکوه سده جشنی است که بسال ۴۳۰ هجری با مر مسعود بن محمود غزنوی بیرون از شهر غزنه بر پای کردند و اینک و صف این جشن را از کتاب تاریخ بیهقی نقل می کنیم: . . . امیر فرمود تا سرا پرده بر راه مرو بزدند بر سه فرسنگی لشکر گاه و سده نزدیک بود اشتران سلطانی را و همه لشکر بصحرا بردند و گز کشیدن گرفتند تا سده کرده آید و پس از آن حرکت کرده آید و گزهی آوردند و در صحرائی که جوی آب بزرگی بود پراز برف میافکنند تا بمالای (۲) قلمتی بر آمد و چارطاقها بساختند از چوب سخت بلند و آنرا بیا کنند و گز دیگر جمع کردند که سخت بسیار بود و بمالای کوهی بر آمد بزرگ و آلت بسیار و کبوتر و آنچه رسم است از ادوات این شب بدست کردند و سده فراز آمد، نخست شب امیر بر آن لب جوی آب که شرعی (۳) زده بودند بنشست و ندیمان و مطربان بیامدند و آتش بهیزم زدند و پس از آن شنیدم که قریب ده فرسنگی فروع آن آتش بدیده بودند و کبوتران نفت اندود را بگذاشتند و ددگان برف اندود را آتش زدند و دیدن گرفتند و چنان سده بود که دیگر آنچه ندیدم و آتش بخرمی بیابان آمد. (۴)

این وضع ظاهراً تا اوان حمله مغول ادامه داشت ولی از این هنگام به بعد دیگر اثری از جشن سده در دربارها دیده نشد و در میان عامه مردم نیز بتدریج متروک ماند و با این حال هنوز در بعضی از نقاط مانند خور و سیستان و میان زرتشتیان کرمان و اخیراً مابین زرتشتیان تهران با بعضی از مراسم کهن خود معمول است.

۱ - راجع باین جشن که مرداوینج بر پا کرده بود رجوع کنید به: تجارب الامم ابن مسکویه چاپ مصر ۵ ص ۳۱۰-۳۱۱ و کامل التواریخ ابن اثیر حوادث سال ۳۲۳ هجری و تاریخ ابی الفدا حوادث سال ۳۲۳ - ۲ - بیالای، بیلندی ۳ - شراع، خیمه، پرده، بادبان کشتی ۴ - تاریخ بیهقی چاپ مرحوم ادیب پیشاوری ص ۴۵۰